

«و سخت عجب است کار گروهی از فرزندان آدم!»^۱

مروری انتقادی بر کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا (یادگارنامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی)

h.ataei@isca.ac.ir / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | حمید عطائی نظری

| ۳۴۷ - ۳۸۱ |

۳۴۷

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

چکیده: انتشار ترجمه‌های مغلو و نامطلوب در یک حوزه مطالعاتی، گذشته از این که موجب نشر و گسترش اطلاعات نادرست و غیر دقیق در آن حوزه می‌شود، به تدریج سبب رواج برگردان‌های ناستوار و عیناک می‌گردد و در نتیجه، سطح دقت و صحت مورد انتظار از متون ترجمه‌شده را نیز پایین می‌آورد. بر این اساس، نقد ترجمه‌های ضعیف آکنده از سهوا و خطاها کاری است بایسته و شایسته توجه. در مقاله حاضر تعدادی از مقالات ترجمه و چاپ شده در کتاب کلان اندیشه‌های فلسفی ابن سینا (یادگارنامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی) که به قلم مترجمان مختلف برگردانده شده است، مورد نقد و بررسی قرار گرفته. اشتباه‌های خرد و کلان در ترجمه عبارات، غلط‌های فاحش در خوانش و نگارش اسامی و اصطلاحات، جملات مبهم و نامفهوم و نشر نارسا و ناستوار، انواع خطاهای املائی و حروف نگاشستی و ویرایشی، از جمله ایرادات قابل مشاهده در این برگردان‌هاست. مبادرت به چاپ چنین ترجمه‌هایی، بدون ارزیابی دقیق و رفع نواقص و اشکالات آنها، نمودار مراتب ناآگاهی و سهل انگاری گردآورنده و مشرف و ناشر کتاب نامبرده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، ابن سینا، کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا، میثم کرمی، نشر نگاه معاصر.

A Critical Review of the Book *Philosophical Ideas of Ibn Sina* (Festschrift for Dr. Gholamhossein Ebrahimi Dinani)
Hamid Ateai Nazari

Abstract

The publication of flawed and substandard translations within a given field not only disseminates inaccurate information but, over time, normalizes unstable and defective renderings and thereby lowers the expected level of accuracy and reliability in translated texts. The outcome of this process is the corruption of the scholarly "temperament," the degradation of readers' taste and judgment, and the distortion of their academic standards. Hence, the critique of weak translations rife with lapses and errors is a necessary and worthwhile endeavor. The present article reviews and critiques a number of translated essays-rendered by different translators-published in the large volume *Philosophical Ideas of Ibn Sina* (a Festschrift for Dr. Gholamhossein Ebrahimi Dinani). Among the observable flaws in these translations are minor and major mistakes in rendering phrases, gross errors in the reading and writing of names and technical terms, ambiguous and unintelligible sentences, awkward and unstable prose, and various orthographic, typographical, and editorial mistakes. Proceeding to publish such translations without careful evaluation and the correction of their deficiencies and errors is indicative of the unawareness and negligence of the volume's compiler, supervising editor, and publisher.

Keywords: translation criticism; Ibn Sina; *Philosophical Ideas of Ibn Sina*; Meysam Karami; Negah-e Mo'aser Publishing.

۱. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرستها: دکتر محمدجعفر یاحقی، مهدی ستیدی، انتشارات سخن، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۱۸۸.



۳۴۸

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

● اندیشه‌های فلسفی ابن سینا (یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی)، ج ۳ (۸۰۰ + ۸۰۶ + ۷۱۴ ص)، به خواستاری و اشراف میثم کرمی، تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۳ ش.

این عبارات را ملاحظه بفرمایید:

متأسفانه، این همان موردی است که بسیاری از مطالعات گذشته در خصوص کتابشناسی ابن سینا، یا سنجش پیشرفت خاص در تفکرات و البته خصوصیات گسترده فلسفه‌ای وی با بی‌علاقگی خاصی در ایجاد یک مفهوم قابل اعتماد از احتمال معتبر تلقی دانستن آثار وی پیشرفته‌اند. (اندیشه‌های فلسفی ابن سینا، ج ۲، ص ۶۷۳).

حتی اگر بارها و بارها هم این جملات را بخوانید اصلاً معنا و مفهوم آنها را در نمی‌یابید و مطلبی دستگیرتان نمی‌شود! این عبارات که برگردانی است از متنی انگلیسی اگرچه ظاهری فارسی دارد، برای هیچ فارسی‌زبانی قابل فهم نیست. ظاهراً ترجمان‌کاران آن به هیچ وجه برایش اهمیت نداشتند که آیا خواننده چیزی از این جملات می‌فهمد یا نه. در همین ترجمه (ص ۶۹۰، پ ۱) می‌بینیم که مترجم اسم کتاب الأسئلة والأجوبة را به صورت غریب الأصلية والغیبة و نام کتاب الأجوبة عن المسائل العشریة را به شکل عجیب الغیبة آن المسائل و اسم رساله الانتفاء عما نُسب إليه من معارضة القرآن را به نحوی شگفت‌آور انتفاع عما نصیب من مفردات القرآن ثبت کرده است! درک ربط این برگردان‌ها به صورت اصلی‌شان البته دشوار می‌نماید. با این وضعیتی، چندان جای تعجب نیست که مترجم در همین ترجمه املای ترکیب «حائز اهمیت» را نیز به صورت غلط «حائض اهمیت» نوشته است!

موارد پیشگفته، پاره‌ای از خطاهایی است که در یکی از مقالات نشریافته در کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا (یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی) قابل مشاهده است. این کتاب که در سه مجلد کلان نشر یافته است، بنا به گفته گردآورنده آن: «مجموعه تحقیقات ایرانی و ترجمه آثار ممتاز ابن سینا شناسان جهان است، که به قلم دوستداران و شاگردان استاد به مناسبت نودمین سال زندگی پُر برکت آن یگانه روزگار در قالب هدیه‌ای ناچیز منتشر شده است». در این مجموعه مقالات، ۵۶ مقاله و نوشته منتشر شده است که برخی از آنها مقالات و نگاشته‌های تألیفی است از جمله دو پایان‌نامه (با حجم تقریبی ۱۵۰ و ۲۳۰ صفحه)، و برخی دیگر ترجمه‌هایی است از زبان‌های انگلیسی و عربی. دو بخش نیز مشتمل است بر تصحیح دو متن منطقی از ابن سینا از جمله منطق المشرقیین (ج ۳، صص ۲۵۹ - ۴۰۹).

مقالات انتشاریافته در این کتاب پربرگ که به قلم نویسندگان و مترجمان مختلفی نوشته شده است، از حیث دقت و کیفیت، اختلاف و فراز و فرود بسیار دارد. برخی از مقالات، دانشورانه و

استوار و درخور توجه است و بعضی دیگر بسیار ضعیف و آشفته و نوشته شده بر دست مؤلفان و مترجمانی که آشکارا در کار ترجمه و تألیف خیرت و بصیرتی نداشته‌اند. شماری از مقالاتی که از زبان انگلیسی ترجمه شده است، بسیار ارزشمند است و پرفایده؛ اما کیفیت ترجمه آنها متفاوت است و بعضی خوب و برخی دیگر - چنانکه در ادامه خواهیم دید - مغلوط و فاقد ارزش و اعتبار علمی است. در خصوص محتوای مقالات تألیفی باید ارزیابی دیگری صورت گیرد تا بتوان در باب کیفیت آنها داوری دقیق و منصفانه نمود؛ لیک نگاهی اجمالی به آنها این مشکل را نمایان می‌سازد که دست کم برخی از این نگاشته‌ها مکتوباتی است سطحی و شتابزده که حتی از یک ویرایش درست و بسامان هم برخوردار نیست و در آنها اغلاط گوناگون ویرایشی و حروف نگاشتی و املائی نیز مشاهده می‌شود.

ارزیابی انتقادی حاضر از کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا بیشتر معطوف است به بررسی و سنجش پنج مقاله نشریافته در این کتاب که از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. در پایان، نکاتی نیز در خصوص پاره‌ای از اشکالات یکی از پایان‌نامه‌های چاپ شده در کتاب مزبور افزوده خواهد شد.

۳۵۰

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

اما پیش از آنکه به نقد مقالات مورد نظر بپردازیم، یادکرد نکته‌ای در خصوص نحوه عملکرد گردآورنده و مُشرف و ناشر کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا ضروری می‌نماید. در چند سال اخیر آقای میثم کرمی، که یکی از کوشندگان عرصه علمی و فرهنگی کشور است - و سعی‌شان در تدوین و نشر آثار خوبی که منتشر نموده‌اند مشکور باد - همتی کرده است و کوشیده تا با همکاری و هماهنگی جمعی از مترجمان، پاره‌ای از تحقیقات و مقالات منتشرشده به زبان‌های انگلیسی و عربی در حوزه مطالعات اسلامی و ایرانی را به فارسی ترجمه کند و با مشارکت نشر «نگاه معاصر» به چاپ رساند. تاکنون بیش از بیست عنوان از این ترجمه‌ها منتشر شده است و به نظر می‌رسد این روند ادامه نیز داشته باشد. بی تردید چنین طرح و برنامه‌ای اگر با رعایت معیارهای علمی صورت گیرد و منتج شود به انتشار برگردان‌هایی درست و استوار از تحقیقات غربی و عربی، کاری است بسیار سودمند و درخور تحسین و شایسته قدرشناسی و ارج گذاری. اما، تا آنجا که راقم این سطور بررسیده است، دست کم شماری از این ترجمه‌ها از دقت و صحت لازم برخوردار نیست و به نظر می‌رسد که مدون نامبرده، در امر اشراف و نظارت بر آنها و ارزیابی و رفع ایرادات این ترجمه‌ها اهتمام و اعتنای درخوری ننموده است. در واقع، طرح کلانی که جناب کرمی دنبال می‌کند، یعنی ترجمه و نشر کتاب‌ها و مقالات پرشمار با همکاری گروهی از مترجمان اما بدون توجه کافی به کیفیت این ترجمه‌ها و بدون ارزیابی دقیق آنها، کاری است ناصواب و ناستوار که نتیجه‌اش

احتمالاً تولید حجم چشمگیری است از ترجمه‌های شتابزده و پُر نقص و بی اعتبار. چاپ چنین ترجمه‌هایی پیامدهای زیانبار و ناگواری برای خریداران و خوانندگان این آثار و نیز برای بخشی از فضای علمی و فرهنگی کشور خواهد داشت. انتشار ترجمه‌های مغلوطن و نامطلوب در یک حوزه مطالعاتی، گذشته از این که موجب نشر و گسترش اطلاعات نادرست و غیر دقیق در آن حوزه می‌شود، به تدریج سبب رونق و رواج برگردان‌های عیناک و نامعتبر می‌گردد و در نتیجه، سطح دقت و صحت مورد انتظار از متون ترجمه‌شده را نیز پایین می‌آورد. براینکه این فرایند، فساد مزاج علمی، و تباهی ذوق و سلیقه مطالعاتی خوانندگان این ترجمه‌ها، و انحراف معیارهای دانشی و پژوهشی آنان است. از این رو امیدوارم نقد نیک‌اندیشانه برخی از آثاری که در قالب این طرح به چاپ رسیده است مایه انتباه و بازنگری گردآورنده و مُشرف نامبرده و مدیر نشر نگاه معاصر در روند اجرای این برنامه شود تا در ادامه، بیش از این شاهد چاپ برگردان‌های نامعتبر و نابسامان نباشیم. در همین راستا، در ادامه این نوشتار، برخی از ترجمه‌های منتشرشده در کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا به صورت جداگانه در چند بخش ارزیابی و نقد می‌شود.

۳۵۱

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

بخش نخست: نقد برگردان مقاله «مذهب ابن سینا، به همراه ضمیمه‌ای در مورد تاریخ تولد وی»

نوشته دیمیتری گوتاس، ترجمه میثم کرمی

اندیشه‌های فلسفی ابن سینا، ج ۲، صص ۷۱۱ - ۷۲۸.

در نخستین بخش از نقد کتاب مورد بحث، به بررسی ترجمه‌ای از خود مدون و مُشرف این کتاب، یعنی آقای میثم کرمی می‌پردازیم. خطاهای گوناگون و چشمگیر در این ترجمه، حکایتگر ناستواری و نادرستی کار مترجم آن است و گواهی است نیک بر اینکه مُشرف کتاب حتی بر مقاله خویش هم اشراف درستی نداشته است و اهتمام تمامی به ارائه دقیق آن ننموده. پاره‌ای از ایرادات مشهود در این ترجمه، در زیر فرانموده می‌شود.

۱. خطا در ترجمه کلمات و عبارات

در موارد و مواضعی، ترجمان در برگردان کلمات و عبارات دچار لغزش شده است. در ادامه، از باب نمونه، شماری از این اشتباهات گزارش می‌شود. خطاها اغلب گویاتر از آن است که نیاز به شرح و توضیح داشته باشد.

1. and at times even on deliberate disregard of the facts.

ترجمه کرمی: «وگاهی حتی با توجه به حقایق» (ص ۷۱۱، س ۱۰).
ترجمه پیشنهادی: وگاه حتی با نادیده گرفتن عمدی حقایق.



2. Bayhaqī, who recasts in his *Tatimmat Šiwān al- hikma* the **Autobiography** in the third person but otherwise follows it relatively faithfully

ترجمه کرمی: «بیهقی، که در کتاب تتمه صوان الحکمه حسب حال خود را به زبان سوم شخص و در عین حال، نسبتاً صادقانه بازنویسی کرده است...» (ص ۷۱۲، س ۵).

ترجمه پیشنهادی: بیهقی، که در کتاب تتمه صوان الحکمه خود، زندگینامه خودنوشت ابن سینا را به صورت سوم شخص بازنویسی کرده است اما از جهات دیگر نسبتاً وفادارانه آن را بازگو نموده...».



3. the correct title and references are **given** in note 2 above. Interestingly enough, Fakhry does not seem to be aware of **Shafi's edition**; in the **Bibliography** (p. 386), he cites the **Damascus edition** and **two manuscripts**, Bodleian Marsh 539 and Istanbul Köprülü 902.

ترجمه کرمی: «عنوان و ارجاعات درست، در پاروقی دوم مقاله حاضر آراسته شده است. جالب توجه است که ظاهراً فخری از نسخه شفيعی مطلع نبوده است؛ در کتاب شرح حال نویسی (ص ۳۸۶) به نسخه دمشق و دو نسخه دیگر - یعنی Bodleian Marsh 539 and Istanbul Köprülü 902 - اشاره می کند.» (ص ۷۱۳، پ ۱).

ترجمه پیشنهادی: عنوان صحیح اثر و شماره صفحات درست آن پیشتر در پاروقی دوم ذکر شده است. نکته جالب توجه اینکه ظاهراً فخری از ویراست شفيع از کتاب مزبور آگاهی نداشته است چون در کتابنامه اثرش (در ص ۳۸۶) فقط از چاپ دمشق و دو نسخه شماره ۵۳۹ بادلیان و ۹۰۲ کوپرولو استانبول یاد کرده است.



4. to escape from Šāfiʿī controlled areas (Balḥ under Sebkutegin) to those under Ḥanafī jurisdiction (Sāmānids).

ترجمه کرمی: «فرار از کنترل شفيعی و پناه بردن به حنفیها (یعنی سامانیان)» (ص ۷۱۶، پ ۱).

ترجمه پیشنهادی: فرار از قلمرو شافعیان (یعنی بلخ تحت سیطره سبکتگین) به قلمرو قدرت حنفیان (سامانیان).



5. The earliest report about him comes from his **younger contemporary**, the historian of **Buḥārā Ġunḡār** (d. ca. 412/1021-1022), who states, in a manuscript note reported by al-Ḥatīb al-Baḡdādī (d. 463/1071), that ...

ترجمه کرمی: «گزارشات اولیه در مورد وی را مفسر جوان وی، مؤرخ کتاب Buhara Gungar (وفات حدود ۱۰۲۲ - ۴۱۲/۱۰۲۱) به نگارش درآورده است. وی به نقل از خطیب بغدادی (وفات، ۱۰۷۱/۴۶۳)، می‌گوید...» (ص ۷۱۶، س ۴).

پاره‌ای از اشکالات:

۱- **younger contemporary** که به معنای «معاصر جوانتر» است، به اشتباه ترجمه شده است به «مفسر جوان».

۲- مترجم گمان کرده که Buḥārā Ġunḡār نام یک کتاب است، در حالی که مراد از آن ابوعبدالله محمد بن احمد بخاری معروف به «عُنجار» مؤرخ اهل بخارا و نویسنده کتابی در تاریخ بخارا است.

۳- نویسنده گفته است که خطیب بغدادی از عُنجار نقل کرده است (و این از تاریخ وفات‌های آن دو نیز قابل فهم است)، حال آنکه مترجم به عکس نوشته است عُنجار از خطیب بغدادی نقل نموده است!

ترجمه پیشنهادی: کهن‌ترین گزارش درباره او، از عُنجار (د. حدود ۴۱۲ ق)، معاصر جوانتر او و مؤرخ بخارا به دست ما رسیده است که - بنا بر نقل خطیب بغدادی (د. ۴۶۳ ق) از دست‌نویسی از عُنجار - گفته است ...



6. Biographical notices.

ترجمه کرمی: «تذکرات شرح حالها» (ص ۷۱۷، پ ۲).

ترجمه پیشنهادی: اطلاعات / یادداشت‌های زندگینامه‌ای.



7. Avicenna **could hardly** have intended to seek refuge in the court of Qābūs had his own Sunnī Ḥanafī **credentials** not been **in order**.

ترجمه کرمی: «اگر اعتبارنامه‌های حنفی سنی ابن سینا نبود، وی تمایل به پناهندگی در دربار قابوس نداشت» (ص ۷۲۱، س آخر).

روشن است که کلمه «اعتبارنامه‌ها» معادل درست و مناسبی برای واژه credentials در جمله بالا نیست. برای کلمه مزبور در جمله بالا معادل‌هایی نظیر «سوابق» و «مدارک» پیشنهاد می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: اگر سوابق حنفی سنی خود ابن سینا مخدوش یا قابل تردید بود آنگاه بعید بود که وی قصد پناه بردن به دربار قابوس را می‌داشت.



8. Ḡazālī charged Avicenna (and Fārābī, as the main **Peripatetics**) with unbelief for maintaining that God does not know particulars and that the world is **eternal**, and for denying the resurrection of the body.

ترجمه کرمی: «غزالی و ابن سینا (و فارابی به عنوان عارف دوره گرد اصلی) به این خاطر که معتقد بود که خدا عالم به جزئیات نیست و اینکه دنیا جاودان است و به خاطر ردّ معاد جسمانی، متهم به بی‌ایمانی کرده است» (ص ۷۲۲، س ۱۴).

پاره‌ای از اشکالات:

۱- کلمه Peripatetics به معنای مشائیان است نه عارف دوره گرد!

۲- واژه eternal در جمله بالا باید به «ازلی / قدیم» ترجمه شود چون سبب تکفیر فلاسفه اعتقاد آنان به ازلی بودن عالم بود نه باور به جاودانه بودن آن.

ترجمه پیشنهادی: غزالی، ابن سینا (و فارابی که مهمترین حکمای مشایی بودند) را به جهت اعتقاد به عالم نبودن خدا به جزئیات و قدیم بودن عالم و انکار معاد جسمانی تکفیر نمود.

۲. اشتباه در خوانش اسامی

از دیگر سهوهای رخ داده در ترجمه مورد بررسی خوانش‌های نادرست مترجم است از اسامی اشخاص و کتابها. در قسمت زیر نمونه‌هایی از این خطاهای فاحش در خوانش و نگارش بازنموده شده است. ابتدا ضبط نادرست مترجم و به دنبال آن، صورت صحیح کلمات گزارش می‌شود.

۱. ص ۷۲۸، س ۱۲: البدایع و النهایة ابن خطیب ← البدایة و النهایة ابن کثیر.
۲. ص ۷۱۸، س ۸: حلقه‌های شفیعی و حنبلی ← محافل شافعی و حنبلی.
۳. ص ۷۱۷، پ ۱: تاریخ بیهقی ← تاریخ بغداد.
۴. همان، س ۱۹: کتاب الفراغ الإسلامیة ← کتاب الفرق الإسلامیة.
۵. ص ۷۱۷، پ ۲: اسماعیلی ← اسماعیل.
۶. ص ۷۲۲، س ۱۸: ابن ابی آدم ← ابن ابی الدم.
۷. ص ۷۲۴، س آخر: زاهدی ← ظاهریه.
۸. ص ۷۲۶، س ۲۳ و ۲۴: سامانی ← سَمَعانی.
۹. ص ۷۲۵، س ۱: زوافیض ← زوافض.
۱۰. ص ۷۱۴، س ۷: اسلامی ← اسماعیلی.
۱۱. ص ۷۱۲، پ ۲: شفیعی ← شفیج.
۱۲. ص ۷۱۷، س ۱۵: بغداد ← بخارا.
۱۳. ص ۷۱۸، س ۱: خطیب الله ← هبة الله.
۱۴. ص ۷۱۳، پ ۱: منتخب الصوان ← منتخب صُوان [کذا!!].
۱۵. ص ۷۲۰، س ۱۵: خلیل بن احمد ← خلیل بن احمد سجزی.

۳. اغلاط املائی و نگارشی و حروف‌نگاشتی

کثرت اغلاط املائی و نگارشی و حروف‌نگاشتی در برگردان مورد بحث، نمودار تسامح و سهل‌انگاری ترجمان در کار خویش است. اگر مترجم، متن برگردان خود را یک بار با دقت مرور کرده بود طبعاً این میزان از نادرستی‌های واضح و فاضح در نوشته او وجود نمی‌داشت. در فهرست زیر مثال‌هایی از این گونه اغلاط ثبت شده است:

- | | |
|--|---|
| ۱. ص ۷۲۱، س ۱۱: زندگی مرفح ← زندگی مرفه. | ۲. ص ۷۱۲، س ۱۲: اندیشده ← اندیشیده. |
| ۳. ص ۷۱۳، پ ۱: پاروقی ← پاروقی. | ۴. ص ۷۱۵، س ۲: مسألُهُ ← مسألُهُ. |
| ۵. ص ۷۱۵، س ۱۸: خروج ← خروج. | ۶. ص ۷۱۶، پ ۱: قواد ← جواد. |
| ۷. ص ۷۱۶، پ ۱: همانور ← همانطور. | ۸. ص ۷۱۷، س ۴: سیره نویش ← سیره نویس. |
| ۹. ص ۷۱۷، س ۸: یقیقاً ← یقیناً. | ۱۰. ص ۷۱۸، س ۱۴: بدین ترتیب ← بدین ترتیب. |
| ۱۱. ص ۷۱۹، س ۳: این سینا ← ابن سینا. | ۱۲. ص ۷۱۱، س آخر: بردارم ← برادرم. |
| ۱۳. ص ۷۲۱، س ۱۷: شعیان ← شیعیان. | ۱۴. ص ۷۲۳، س ۹: اسماعلیه ← اسماعیلیه. |

۱۵. ص ۷۲۴، س ۹: دوازه ← دوازده.	۱۶. ص ۷۲۴، س ۱۶: بدوم ← بدون.
۱۷. ص ۷۲۶، س ۲۲: دنبا ← دنیا.	۱۸. ص ۷۲۲، س آخر: ابوحنفیه ← ابوحنیفه.
۱۹. ص ۷۱۷، س ۱۵: پیر ← پدر.	۲۰. ص ۷۱۸، س ۱۵: پازده ← پانزده.
۲۱. ص ۷۲۰، س ۱۲: می گفت ← می توان گفت.	۲۲. ص ۷۲۰، س ۱۳: علمای حقوقی ← فقها.

خطاهای یادشده تنها بخشی از اغلاط موجود در ترجمه کوتاه مزبور (در ۱۸ صفحه) است. بی گمان در صورت مقابله کامل این برگردان با متن اصلی، بر میزان اغلاط قابل ملاحظه آن افزوده خواهد شد. ایرادات و اشتباهات پیشگفته که بیش از هر چیز حاکی است از کم دقتی و بی توجهی مترجم کوشا، این پرسش جدی را فریاد می آورد که چگونه ممکن است شخصی با این اندک مایه از دانش و توانش و دقت و مهارت، صلاحیت دخالت و مشارکت در ترجمه و نشر سلسله ای از آثار در حوزه مطالعات اسلامی و ایرانی را داشته باشد؟!

★ ★ ★

بخش دوم: نقد ترجمه مقاله «سرقت کتابهای ابن سینا: پژوهشی راجع به منابع تاریخی درباره زندگی و زمانه ابن سینا»

نوشته دیوید سی. رایسمن، ترجمه علی مرادی

اندیشه های فلسفی ابن سینا، ج ۳، صص ۱۰۹ - ۱۵۰.

یکی از مغلوپ ترین مقالاتی که در مجموعه سه جلدی مورد بحث منتشر شده است، ترجمه همین مقاله مهم نامبرده است. همچون مقاله پیشین، نقد این برگردان نیز در چند قسمت صورت می گیرد به شرح زیر:

۱. خطا در ترجمه کلمات و عبارات

بسیاری از جملات و عبارات متن اصلی مقاله یادشده با دقت و صحت لازم برگردانده نشده است و در نتیجه، عبارات نامفهوم و پیچیده در این ترجمه فراوان دیده می شود. نمونه هایی از اشتباهات مترجم در ترجمه متن را در ادامه مرور می کنیم.

1. The evaluation of the historical sources related to the transmission of Avicenna's works has previously been left undone in modern scholarship.

ترجمه مرادی: «ارزیابی منابع تاریخی مربوط به انتقال آثار ابن سینا پیش از این در بورس تحصیلی مدرن انجام شده بود.» (ص ۱۴۶، س ۲).

اشکالات:

۱- نخست باید پرسید که آیا جمله فوق معنای محصلی دارد؟ عبارت «ارزیابی منابع تاریخی... در بورس تحصیلی مدرن» یعنی چه؟ مترجم در ترجمه واژه scholarship صرفاً به همان معنای مشهور آن، یعنی «بورس تحصیلی» اکتفا کرده است بی آنکه بسنجد آیا چنین معادلی با سیاق عبارت سازگار و همخوان هست یا نه. معنای دیگر این واژه، «تحقیقات» یا «پژوهش‌ها» است و در جمله بالا نیز همین معنا مراد نویسنده بوده است.

۲- نویسنده گفته است که «ارزیابی منابع تاریخی مربوط به انتقال آثار ابن سینا تاکنون در تحقیقات جدید صورت نگرفته است» حال آنکه مترجم برعکس آن ترجمه نموده است!



2. Such treaties appear to have been mediated by his ally, the Būyid amir Ġalāl ad-Dawla, who had the ear of the 'Abbasid caliph in Baghdad.

۳۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

ترجمه مرادی: «به نظر می‌رسد که این معاهدات توسط متّحد او، امیر جلال الدّوله بویه که گوش خلیفه عباسی در بغداد را داشت، میانجی‌گری شده بود.» (ص ۱۱۵، س ۵).

شگفتا که مترجم مقاله هیچ از خود نپرسیده که عبارت «گوش خلیفه عباسی در بغداد را داشت» چه معنایی دارد؟! در اینجا نیز مترجم گمان کرده که واژه ear به همان معنای مشهور «گوش» است و هیچ التفات نداشته که عبارت have somebody's ear به مفهوم اصطلاحی «مقبول و مورد اعتماد کسی بودن / نزد کسی نفوذ و مقبولیت داشتن» است و بنابراین، معنای عبارت مزبور در واقع این است که: «امیر جلال الدّوله بویه‌ای که نزد خلیفه عباسی در بغداد نفوذ و مقبولیت داشت (/ مورد اعتماد خلیفه عباسی در بغداد بود)».



3. before all of this was transcribed into a clean copy, he was hindered by a military rout in which all his belongings and books were carried off at the gate of Isfahan.

ترجمه مرادی: «پیش از آنکه همه این آثار در یک نسخه پاک رونویسی شود، به واسطه یک شکست نظامی که در آن همه وسائل و کتابهای خود را در دروازه اصفهان حمل می‌کرد به تعویق افتاد.» (ص ۱۱۷، س ۱۸-۱۹).

این ترجمه تقریباً بطور کامل مهمل و بی معناست! برآستی عبارت «یک شکست نظامی که در آن همه وسایل و کتابهای خود را در دروازه اصفهان حمل می کرد به تعویق افتاد» چه مفهومی دارد؟! باز در اینجا نیز مترجم سهل انگار با شتابزدگی فعل carry off را به معنای «حمل کردن» برگردانده است در حالی که این فعل در جمله بالا به مفهوم «ربوده شدن و مورد دستبرد قرار گرفتن» است. نیز فعل hinder که مترجم آن را معادل «به تعویق افتادن» دانسته است، در عبارات یادشده به معنای دیگر آن یعنی «مانع شدن و بازداشتن» است.

ترجمه پیشنهادی: پیش از آن که همه این مطالب در نسخه ای پاک نویس کتابت شود، شکست نظامی مانع او شد، و در این واقعه همه دارایی ها و کتاب هایش در آستانه دروازه اصفهان ربنده شد (به غارت رفت).



4. The Šayḥ wrote *Kitāb al-Inṣāf*, but on the day that Sultan Mas'ūd entered Isfahan, the army rifled the Šayḥ's saddle-bags (rahl) containing the book, and not a trace of it was found afterward.

ترجمه مرادی: «شیخ کتاب الإنصاف را در روزی که سلطان مسعود به اصفهان وارد شد نوشت، ارتش کیسه شیخ که حاوی این کتاب بودند و اثری از آن پیدا نشد را پس از آن پیدا کردند» (ص ۱۱۷، س آخر).

اشکالات:

۱- نویسنده نگفته که «شیخ کتاب الإنصاف را در روزی که سلطان مسعود به اصفهان وارد شد نوشت» بلکه گفته «شیخ کتاب الانصاف را نوشت، اما در روزی که سلطان مسعود وارد اصفهان شد، سپاه خُرجین (رحل) شیخ را که کتاب در آن بود غارت کرد».

۲- نویسنده نگفته که «ارتش کیسه شیخ که ... را پس از آن پیدا کردند» بلکه گفته است: «سپاه خُرجین (رحل) شیخ را که کتاب در آن بود غارت کرد و پس از آن دیگر هیچ نشانی از آن کتاب به دست نیامد».



5. Of even greater value for the life of Avicenna are the private papers and correspondence of Avicenna and his students (represented above by Avicenna 1-2 and

Ibn Zayla), in which incidental records of events gain value by their solely conversational nature.

ترجمه مرادی: «حتی ارزش بیشتری برای زندگی ابن سینا، روزنامه‌های خصوصی و مکاتبات ابن سینا و شاگردانش است (که در بالا توسط ابن سینا ۱-۲ و ابن زیلان نشان داده شده) (ص ۱۱۸، س ۴-۵).
اشکالات:

۱- ظاهر عبارات یادشده فارسی است؛ اما ترتیب کلمات و نحوه جمله‌بندی آنها مطابق با زبان فارسی رسمی و طبیعی و متداول نیست. هیچ فارسی‌زبانی اینگونه سخن نمی‌گوید و نمی‌نویسد.

۲- ترجمه ترکیب the private papers به «روزنامه‌های خصوصی» مناسب با سیاق عبارت نیست و باید آن را به «اسناد و نوشته‌های خصوصی» ترجمه کرد.

۳- مترجم حدود یک سطر از متن اصلی را در برگردان خود از قلم انداخته و ترجمه نکرده است.

ترجمه پیشنهادی: اسناد و نوشته‌های خصوصی و مکاتبات ابن سینا و شاگردانش (که در بالا با عنوان‌های ابن سینا ۱-۲ و ابن زیله بازنموده شد) برای شناخت زندگی او از ارزش بیشتری برخوردار است و در این مکتوبات، گزارش‌های ضمنی رویدادها، به سبب ماهیت صرفاً محاوره‌ای خود، ارزش ویژه‌ای می‌یابد.



6. The fact that Bayhaqi's *History* contains no report of a plunder of Avicenna's saddle-bags in 421/1030 or indeed of his (hypothetical) library in Isfahan in 425/1034 or 428/1036-7 is significant, but requires some qualification, since so little of the original work is now extant.

ترجمه مرادی: «این حقیقت که تاریخ بیهقی شامل هیچ گزارشی درباره سرقت کیسه‌های ابن سینا در ۱۰۳۰/۴۲۱ م یا کتابخانه فرضی ابن سینا در ۱۰۳۴/۴۲۵ یا ۱۰۳۶/۴۲۸ نمی‌شود بی‌معناست، اما نیاز به کمی اصلاحات دارد چون در حال حاضر مقدار کمی از کار اصلی در حال انجام است (صص ۱۲۵-۱۲۶).

اشکالات:

۱- نویسنده گفته است «این واقعیت که در تاریخ بیهقی هیچ گزارشی در خصوص غارت خُرَجین ابن سینا در سال ۱۰۳۰/۴۲۱ یا در حقیقت از کتابخانه (فرضی) او در اصفهان در

سال‌های ۴۲۵ / ۱۰۳۴ یا ۴۲۸ / ۱۰۳۶ ثبت نشده است، نکته‌ای حائز اهمیت است» اما مترجم برخلاف آن نوشته است: «این حقیقت که تاریخ بیهقی شامل هیچ گزارشی... بی معناست!»

۲- نویسنده ابراز داشته است که نکته پیشگفته «نیازمند قید و ملاحظه‌ای است؛ زیرا در حال حاضر بخش بسیار اندکی از اثر اصلی [یعنی کتاب تاریخ بیهقی] باقی مانده است» لکن - چنانکه گذشت - مترجم در برگردان این قسمت، عبارت نامربوط «اما نیاز به کمی اصلاحات دارد چون در حال حاضر مقدار کمی از کار اصلی در حال انجام است» را آورده است!



7. Arguing against a possible reference by Bayhaqī to such an event either in the lost part of his *Tārīḥ-i Mas'ūdī* or in the "special section" that he mentions in the extant part is the fact that Ibn Funduq, who knew and used Bayhaqī's history (*Tatimma*, 13.4), does not cite him for any information of events related to Avicenna. Ibn Funduq's citation of Bayhaqī in the *Tatimma* is to be contrasted with his complaint, in his *Tārīḥ-i Bayhaq*, about the difficulty of finding copies of Bayhaqī's work.

ترجمه مرادی: «استدلال علیه منبعی ممکن توسط بیهقی برای چنین رویدادی در فقدان بخشی از تاریخ مسعودی اش یا در "بخش خاص" که او ذکر می‌کند این واقعیت است که ابن فندق تاریخ بیهقی را می‌شناخت و از آن استفاده کرد. اما به او در مورد هرگونه اطلاعات مربوط به ابن سینا اشاره نمی‌کند. نقل ابن فندق راجع به بیهقی در تمه با اظهار نارضایتی هایش ادغام شده است، در تاریخ بیهقی اش درباره تفاوت نسخه‌های یافت شده از اثر بیهقی» (ص ۱۲۶، پ ۳).

اشکالات:

۱- عبارت Arguing against a possible reference به معنای «استدلال علیه منبعی ممکن...» نیست بلکه به مفهوم «استدلالی است در رد احتمال اشاره (/ اشاره مُحتمَل) ...» می‌باشد.

۲- ترکیب in the lost part به معنای «در بخش مفقود» است نه «در فقدان بخشی»!

۳- قسمت آخر ترجمه، از اساس مبهم و مغلوط است.

ترجمه پیشنهادی: این واقعیت که ابن فندق، با وجود شناخت و استفاده از تاریخ بیهقی (نک: کتاب تَمَمَة صَوَانِ الْحِکْمَة، ص ۱۳، س ۴)، در هیچ کجای اثر خود نقل قولی را از بیهقی در

خصوص اطلاعات وقایع مرتبط با ابن سینا نیاورده است، استدلالی است در ردّ احتمال اشاره بیهقی به چنین رویدادی یا در بخش اینک مفقود تاریخ مسعودی او [همان تاریخ بیهقی] یا در «بخش ویژه‌ای» که وی در قسمت موجود از اثرش ذکر کرده است. استناد ابن فندُق به تاریخ بیهقی در کتاب تتمه‌اش در تضاد است با شکوه او در نگاشته دیگرش یعنی تاریخ بیهقی درباره دشواری دست یافتن به نسخه‌هایی از کتاب تاریخ بیهقی.



مواردی که فراموده شد تنها بخش اندکی است از خطاهای مترجم در برگردان متن اصلی. تردیدی نیست که اگر بخش‌های دیگری از همین ترجمه نیز با متن اصلی مقابله و سنجیده شود اشکالات افزون‌تری پدیدار می‌شود. لیک اینک به جهت نبود حال و مجال از بررسی فراخ‌تر این برگردان ناستوار صرف نظر می‌شود.

۲. نثر مغشوش و مشوش و عبارات مبهم و مهمل

از دیگر اشکالات قابل ملاحظه در ترجمه مورد بررسی، عبارات مبهم و مهمل و نثر آشفته و پریشان مترجم آن است که هم زننده است و هم آزارنده. اینک نمونه‌هایی از این نثر نارسا و عبارات بی‌معنا:

● ص ۱۱۸، س آخر: «این تفاوت در تاریخها باعث شد تا محققان بر این باورند که آثار او را تحت تأثیر قرار داده است، یعنی آنهایی که در متون او و شاگردانش نام برده شده‌اند. مرجع [حادثه] کتابخانه ابن سینا پشتیبانی هیچیک از ادبیات موجود دیگر را ندارد.»

● ص ۱۱۸، س ۱۰-۱۱: «در این زمینه و به خصوص با توجه به گزارشهای ترجمه شده در بالا، نسخه‌های مختلفی از آنچه که من نام حکایت آثار مسروقه می‌نهم بر آن می‌نهم، در نویسندگانی که بعد از آنچه ابن سینا و شاگردانش به آن اشاره کردند را پیدا کردیم.»

● ص ۱۲۱، س ۱۳-۱۵: «اگر بخواهیم از لحاظ تاریخی، فقدان آثار ابن سینا از اصفهان را به صورت تاریخی دقیق‌تر بدانیم و از آن زمان هیچ مدرک دیگری از ابن سینا و شاگردانش در رابطه با چنین رویدادی نداشته باشیم را قبول کنیم، بحث جزئی در منابع موجود معاصر نیاز است.»

● ص ۱۴۸، س ۱۸-۲۱: «با این حال، این حقیقت که هیچیک از اسناد موجود در این دوره چنین رویدادی را تأیید نمی‌کنند، و در مورد تاریخ بیهقی، به طور جدّی و در مواجهه با شواهد

ارائه شده توسط ابن سینا و شاگردانش در رابطه با غارت آثار او از خورجین اش در ۴۲۱هـ ق / ۱۰۳۰م، با صحه گذاشتن بر تاریخهای ترکیب و فقدان کتابهای ذکر شده توسط ابن سینا مواجهیم.»
آشکارا خطاهای مترجم در برگردان عبارات پیشگفته موجب پدید آمدن چنین جملات نامفهوم شگفت‌آوری شده است.

۳. لغزش در خوانش اسامی

در موارد متعددی، در خوانش اسامی اشخاص و کتاب‌ها و نظایر اینها خطاهایی صورت گرفته است که شماری از آنها در زیر گزارش می‌گردد. ابتدا خوانش نادرست و سپس صورت درست بازنموده می‌شود.

۱. ص ۱۱۶، س ۸ (و مواضع متعدّد دیگر): ابن زیلا ← ابن زیله.
۲. ص ۱۲۴، پ ۱: نصیر القوربازخانی ← ناصر الجرباذقانی.
۳. ص ۱۱۹، س ۹: بحرزی ← باخرزی.
۴. ص ۱۱۹، س ۱۱: گور و قوز ← غور و غُرّ.
۵. ص ۱۱۹، س ۱۴: ابوغفار ← ابوجعفر.
۶. ص ۱۲۰، س ۷: الگوری ← الغوری.
۷. ص ۱۲۳، س ۴: مسکوی ← مسکویه.
۸. ص ۱۲۳، پ ۲: تقاریب الأمم ← تجارب الأمم.
۹. ص ۱۲۴، پ ۱: المانینی ← المنینی.
۱۰. ص ۱۱۹، س ۷: عزالدین الزنگانی ← عزیز الدین الزنجانی.
۱۱. ص ۱۲۹، س ۱۴: منصور ثعلبی ← ابومنصور ثعلبی.
۱۲. ص ۱۳۰، پ ۳: ابوالفواریس ← ابوالفوارس.
۱۳. ص ۱۳۳، س ۱: مشارب التقاریب ← مشارب التجارب.
۱۴. ص ۱۳۴، س ۶: اخبار العلماء و الملوك سلجوقیه ← أخبار الأمراء والملوك السلجوقیه.
۱۵. ص ۱۴۹، پ ۴: المشرقیان ← المشرقیین.
۱۶. همان: دکتر گوتاس ← دیمتری گوتاس.
۱۷. همان: الرسائل العرشیه ← الرسالة العرشیه.
۱۸. ص ۱۱۲، س آخر: سلسله کاکوئیدها ← آل کاکویه.

۴. اغلاط املائی و حروف نگاشتی

ترجمه مورد بحث، شوربختانه از اغلاط املائی و حروف نگاشتی نیز خالی نیست، برای نمونه:

۱. ص ۱۱۲، پ ۲: ویز ← وزیر. ۲. ص ۱۱۸، پ ۱: به استثنای ← به استثنای.

۳. ص ۱۲۳، پ ۲: می هد ← می دهد. ۴. ص ۱۳۲، پ ۲: منصوب ← منسوب.

۵. همان: صوان الحککه ← صوان الحکمة. ۶. ص ۱۳۳، پ ۱: خوش ← خودش.

۷. ص ۱۴۶، پ ۱: بخ ← به. ۸. ص ۱۴۹، پ ۴: احسین ← الحسین.

۹. ص ۱۱۰، پ ۲: در ۴۲۱ ق ← ۴۲۴. ۱۰. ص ۱۲۳، س آخر: یاردهم ← یازدهم.

بخش سوم: نقد برگردان مقاله «عقل، روح و جسم از دیدگاه ابن سینا: تلفیق و پیشبرد

نظام مند نظریه های ارسطویی، نوافلاطونی و جالینوسی»

نوشته رابرت ایی هال، ترجمه محمد عارف عرب

اندیشه های فلسفی ابن سینا، ج ۲، صص ۳۱۵ - ۳۴۲.

۳۶۳

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

این برگردان مشتمل است بر برخی جملات پیچیده و نامفهوم و حیرت افزا. چند نمونه زیر را ملاحظه فرمایید که در اثر خطاهای مترجم در ترجمه آنها، هیچ معنای درست و مناسبی از آنها قابل فهم نیست:

● ص ۳۱۵، س ۹ - ۱۰: «در جایگاه مقابل تفاسیر یکی از ویژگیهای برجسته مجموعه های او اهمیت آثار دانشنامه ای و شرحیات مستقل رشته ها و موضوعات است مثلاً حقیقت روش ارزشیابی عالی کمال منظم ابن سینا قطعاً آن را توضیح می دهد.»

● ص ۳۱۶، س ۱ - ۲: «وظیفه ادراک افکار گذشته را بررسیهای نو و تاریخی متون و تحقیق متناقض و ناسازگار مانند بررسی منابع و استفاده دیر هنگام مفهوما، دکترینها و روشهای خاص، باید با تحقیقی در دامنه وسیع با نوشته های متفکر مخصوصاً آنهايي که غیر قابل پیش بینی اند را ثابت کند.»

● ص ۳۲۵، چهار سطر آخر: «با این حال، ابن سینا باید با طرفداران جالینوس مقابله کند، زیرا او وظایف محلی سازی قوه های غریزی مناسب روح در اندامهای جسمانی و توضیح نقشهای معادل شان با توجه به مواد بنیادین، وظایفی که او از سنن پزشکی و فلسفی به ارث می برد را به عهده می گیرد.»

گذشته از نمونه‌های پیشگفته که مترجم از بُن برگردانی نادرست و نامفهوم ارائه کرده است، در ترجمه بسیاری از کلمات و جملات مقاله خطاها و بی‌دقتی‌هایی صورت گرفته است که در ادامه، نمونه‌وار، برخی از آنها فراموده می‌شود:

1. An especially large number of important problems that confront Ibn Sīnā lie within theoretical psychology, and the centrality of psychology within his system is one of its most conspicuous features.

ترجمه عرب: «یکی از شاخصه‌های بارز در روش ابن سینا شمار بسیار زیادی از مسائل مهمی است که او در روانشناختی نظری و مرکزیت روانشناسی در روشش با آنها مواجه است.» (ص ۳۱۶، س ۹-۱۰).

ترجمه پیشنهادی: تعداد به‌ویژه زیادی از مسائل مهمی که ابن سینا با آنها مواجه است، در حوزه روان‌شناسی نظری قرار دارد، و محوریت روان‌شناسی در نظام اندیشگی او یکی از بارزترین خصیصه‌های آن است.

ترجمه آقای عرب که چندان قابل فهم نیست ولی تا آنجا که می‌توان فهمید، آشکارا با مفاد متن اصلی که در ترجمه پیشنهادی بیان شد ناسازگار است.



2. **Helping to structure and support** a very large part of Ibn Sīnā's philosophy and science, psychological theory is really the spine of the system. Moreover, Ibn Sīnā seems to find the congruence of other parts of his thought with psychological theory to be a prime means of testing them.

ترجمه عرب: «کمک به ساختار و حمایت قسمت بسیار زیادی از فلسفه و علم نظریه روانشناختی ابن سینا در واقع ستون فقرات روشش است. بعلاوه ابن سینا به نظر میرسد به دنبال کشف همانندی قسمت‌های دیگر تفکراتش با نظریه روانشناختی است که معنی بنیادی ارزیابی آنها شود.» (ص ۳۱۶، س ۱۶-۱۹).

ترجمه پیشنهادی: از آنجا که نظریه روان‌شناختی به سازماندهی و پشتیبانی از بخش بسیار گسترده‌ای از فلسفه و علم ابن سینا کمک می‌کند، این نظریه در واقع ستون فقرات آن نظام

به شمار می‌آید. افزون بر این، ابن سینا چنین می‌نماید که سازگاری سایر بخش‌های اندیشه‌اش با نظریه روان‌شناختی را ابزار اصلی سنجش درستی آن بخش‌ها می‌داند.



3. It is some of the **problems** in psychological theory **that are the focus of the present paper.**

ترجمه عرب: «این برخی از مشکلات در نظریه روانشناختی است که روی این مقاله تمرکز دارد.» (ص ۳۱۷، س ۱۲).

چنانکه واضح است، مراد نویسنده آن است که "برخی از مسائل نظریه روان‌شناختی، کانون توجه نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد" یا به عبارت دیگر "کانون توجه نوشتار حاضر، برخی از مسائل نظریه روان‌شناختی است" نه اینکه «برخی از مشکلات در نظریه روانشناختی ... روی این مقاله تمرکز دارد». حاجت به توضیح نیست که همواره "مقاله یا نوشته‌ای بر مسائلی تمرکز دارد" نه اینکه "مشکلات یا مسائل بر مقاله یا نوشته‌ای تمرکز داشته باشد"!



4. I shall present a psychology-centered sketch-map of Ibn Sina's systematizing, showing lines of connected thought drawn in terms of problems, concepts and doctrines.

ترجمه عرب: «نشان دادن خطوط تفکر متصل بهم از لحاظ مشکلات، مفاهیم و آموزه‌های کشیده شده، من می‌بایست طرح اولیه تمرکز روانشناختی روش‌سازی ابن سینا را نشان بدهم.» (ص ۳۱۸، س ۱-۳).

ترجمه پیشنهادی: من طرحی کلی با محوریت روان‌شناسی از نظام‌مندسازی ابن سینا ارائه خواهم کرد که در آن، خطوط تفکر مرتبط، بر اساس مسائل و مفاهیم و آموزه‌ها ترسیم می‌گردد.



5. More tightly integrated and better organized than Aristotle's, Ibn Sina's systematizing embraces medicine, which Aristotle's did not, although **it is worth noting that** Aristotle had intended to write an account of medicine.

ترجمهٔ عرب: «خیلی منسجم تر و نظام مندتر از ارسطویی ست، سیستم ابن سینایی پزشکی را در بر دارد که ارسطویی اینگونه نیست، اگرچه ارسطو قصد داشته شرحی پزشکی بنویسد که نوشته، اما از ارزش وی چیزی کم نمی کند.» (ص ۳۱۵، بند دوم).

اشکالات:

۱- همانطور که مشاهده می فرمایید، عبارات فوق بدون نهاد آغاز می شود و گویا مبتدای جمله در تقدیر گرفته شده!

۲- عبارت *it is worth noting that* به سادگی به معنای «شایان ذکر / توجه است که» می باشد و ربطی ندارد به آنچه مترجم نوشته یعنی «اما از ارزش وی چیزی کم نمی کند». احتمالاً مترجم فعل *note* را با کلمهٔ *not* خلط کرده است.

اینک ترجمهٔ پیشنهادی: نظام مندسازی ابن سینا، که از نظام پردازی ارسطو منسجم تر و بهتر سازمان یافته است، دانش پزشکی را نیز، برخلاف نظام ارسطویی، دربر می گیرد؛ اگرچه شایان ذکر است که ارسطو قصد داشت شرحی در باب پزشکی بنویسد.



باری، گذشته از موارد یادشده، در این ترجمه شاهکارهای دیگری را نیز شاهدیم، مثل اینکه مترجم نام کتاب معروف نجاة ابن سینا را به صورت «نقاط» (ص ۳۲۵، س ۹) برگردانده است! به همین نحو، اثری به نام «المقالة في النفس على سُنَّة الاختصار» را به شکل «مقاله فی النفس اهل سنت الإختصار» (ص ۳۱۸، پ ۲)، و اصطلاحات و نامهایی چون «بَنطاسیا» و «فَنطاسیا» و «السَّماع الطبیعی» را به ترتیب به نحو «بانتسیه» و «فانتسیه» (ص ۳۳۴، س ۴) و «الأسماء الطبیعی» (ص ۳۲۴، س دوم از انتها) ثبت کرده است! نیز کلمهٔ «مُثمر ثمر» را به صورت «مسمر ثمر» (ص ۳۳۷، س آخر) نگاشته است.

درست است که وقتی ترجمه‌ای از اساس عیناک و پرنقص است، باز نمودن اشکالات صوری آن نظیر اغلاط املائی و حروف نگاشتی اهمّیت چندانی ندارد؛ با این حال، گزارش این خطاها نمود و نمودار وقوع سهو و سهل انگاری‌هایی است در ترجمه که به راحتی قابل پیشگیری بوده لیک متأسفانه مترجم در جلوگیری از آنها نکوشیده است. اینک شماری از اغلاط حروف نگاشتی در ترجمه تحت بررسی:

۱. ص ۳۱۶، س ۷: خاستگاه‌های ← خاستگاه‌های. ۲. ص ۳۱۶، س آخر: ملزومه ← لازمه.
۳. ص ۳۲۵، س ۱۵: ابن سینا ← ابن سینا. ۴. همان، پ ۱: الطبعیات ← الطبیعیات.
۵. ص ۳۲۸، س ۴: قوهای ← قوه‌های. ۶. ص ۳۳۳، س ۴: تنها ← تنها.
۷. ص ۳۳۲، پ ۳: نسب ← نسبت. ۸. ص ۳۲۷، س آخر: یه ← سه.

در اینجا نیز یادآوری این نکته لازم است که اغلاط پیشگفته تنها بخشی از نادرستی‌های مشهود در ترجمه مزبور است و چنانچه برگردان کل مقاله با متن اصلی آن مقابله شود بدون شک بر شمار خطاهای شناسایی شده در آن افزوده خواهد شد.

بخش چهارم: نقد ترجمه مقاله «ابن طفیل و فلسفه شرقی ابن سینا»

نوشته دیمتری گوتاس، ترجمه اعظم رجالی

اندیشه‌های فلسفی ابن سینا، ج ۱، صص ۶۹۹-۷۲۲.

این ترجمه نیز دچار خطاها و نقائص بارزی است که ضعف دانش و بی‌دقتی ترجمان آن را نشان می‌دهد. نمودهایی از این بی‌دقتی‌ها را در مواردی که در پی می‌آید می‌توان مشاهده کرد. نخست به ترجمه‌های زیر بنگرید:

1. The full title of al-Ghazālī's autobiography is, *al-Munqidh min al-dalāl wa-l-muḥṣib 'an al-aḥwāl*, the first half of which should be properly translated as *What Saves from Straying* in order to emphasize the proleptic dimension implicit in the Arabic.

ترجمه رجالی: «عنوان کامل شرح حال غزالی، کتاب المنقذ من الضلال المكتبة الوقفية است که نیمه اول آن باید به درستی ترجمه شود تا از انحراف جلوگیری کند و همه خوانندگان را شامل شود.» (ص ۷۱۸، پ ۱).

اشکالات:

۱- واژه autobiography به معنای «زندگی‌نامه خودنوشت» است نه «شرح حال» آنگونه که مترجم نوشته است.

۲- قسمت دوم عنوان کتاب غزالی که در متن اصلی آمده است، یعنی «والمُنْصَح عن الأحوال»، در ترجمه افتاده است.

۳- معلوم نیست نام «المكتبة الوقفية» که در ادامه اسم کتاب المُنْقِذ من الضَّلَال در ترجمه ثبت گردیده است، به چه دلیل افزوده شده؟ نه در متن اصلی نویسنده هست و نه ربطی دارد به عنوان کتاب غزالی. تنها چیزی که از نام «المكتبة الوقفية» به ذهن راقم این سطرها متبادر می‌شود همان پایگاه اینترنتی مشهور برای دریافت فایل کتابهای اسلامی است!

۴- بخش in order to emphasize the proleptic dimension implicit in the Arabic اصلاً ترجمه نشده است و به جای ترجمه آن، عبارت «تا از انحراف جلوگیری کند و همه خوانندگان را شامل شود» نوشته شده است که هیچ ارتباطی با متن اصلی نویسنده ندارد و روشن نیست مترجم آن را از کجا آورده است؟!

ترجمه پیشنهادی: عنوان کامل زندگی‌نامه خودنوشت غزالی المُنْقِذ من الضَّلَال والمُفْصِح عن الأحوال است که نیمه نخست این عنوان را باید بدرستی به «آنچه از گمراهی نجات می‌دهد» ترجمه کرد تا جنبه پیش‌گویانه نهفته در تعبیر عربی آن به خوبی آشکار و برجسته گردد.



2. Ibn Ṭufayl's knowledge of Ibn Sīnā's Eastern philosophy was limited to its mention by the latter in his prologue to the *Shifā'* (#1,4 in the texts given above). Apart from this, it appears that Ibn Ṭufayl did not have, and could not have had, any further information on the subject. **The reason is that of the three works by Ibn Sīnā which were written during the period of his career when he decided to call his philosophy Eastern (418/1027-422/1031), and which alone refer to Eastern philosophy, none was available in Andalus to Ibn Ṭufayl.**

ترجمه رجالی: «شناخت ابن طفیل از فلسفه شرقی ابن سینا به ذکر آن توسط بعدی در پیش‌گفتار وی در مورد شفا محدود شده است (شماره ۱، ۴ در متونی که در بالا آورده شده است). جدا از این، به نظر می‌رسد که ابن طفیل هیچگونه اطلاعات دیگری در مورد این موضوع نداشت و نمی‌توانست داشته باشد. دلیل این امر سه اثر ابن سینا است که در زمانی از دوره کاری او نوشته شده بودند که او تصمیم گرفت فلسفه خود را شرقی بنامد (۴۱۸/۱۰۲۷-۴۲۲/۱۰۳۱) ابن طفیل تنها به کتاب او با عنوان فلسفه شرقی اشاره دارد لایکنه در اندلس در دسترس ابن طفیل نبود.» (ص ۷۰۶، بند آخر).

اشکالات:

- ۱- مترجم واژه latter به معنای «این آخری، این دومی» - که در متن بالا به ابن سینا اشاره دارد - را با کلمه later به مفهوم «بعداً، بعد، بعدی» خلط کرده است.
- ۲- عبارت in his prologue to the *Shifā'* که به معنای «در دیباجه‌اش بر کتاب شفا» است به اشتباه ترجمه شده است به: «در پیش‌گفتار وی در مورد شفا».
- ۳- مراد نویسنده از قسمت The reason is that of the three works by Ibn Sīnā عبارتست از: «دلیل آن این است که از میان سه اثری که ابن سینا ...» اما مترجم به نادرست آن را به صورت «دلیل این امر سه اثر ابن سینا است که» برگردانده است.
- ۴- جمله «ابن طفیل تنها به کتاب او با عنوان فلسفه شرقی اشاره دارد» که در ترجمه آمده است برگردانی است کاملاً نادرست.

ترجمه پیشنهادی: شناخت ابن طفیل از حکمت مشرقی ابن سینا محدود بوده است به اشارتی که ابن سینا خود در دیباجه کتاب *شفا* به آن کرده است (شماره‌های ۱، ۴ در متون نقل شده در بالا). بجز این مورد، به نظر می‌رسد که ابن طفیل هیچ آگاهی بیشتری در این موضوع نداشته و نمی‌توانسته هم داشته باشد. دلیل این امر آن است که از میان سه اثری که ابن سینا در دوره‌ای از فعالیت علمی خود نگاشته که بنا داشته فلسفه خود را «مشرقی» بنامد (در فاصله سال‌های ۴۱۸ / ۱۰۲۷ تا ۴۲۲ / ۱۰۳۱) و تنها همان آثار به فلسفه مشرقی اشاره دارند، هیچ‌یک در اندلس در دسترس ابن طفیل نبوده است.



3. Ibn Sīnā lent this theme, like so many others, philosophical specificity and methodological cohesion.

ترجمه رجالی: «ابن سینا، مانند بسیاری دیگر، این مضمون یعنی ویژگی فلسفی و انسجام روش شناختی را وام داده است.» (ص ۷۱۶، س ۱).

ترجمه پیشنهادی: ابن سینا، همچون بسیاری از موضوعات دیگر، به این مضمون، خصیصه فلسفی و انسجام روشی بخشید.



4. Al-Ghazālī takes great pains to emphasize the absolute distinction between the last two stages.

ترجمه رجالی: «غزالی برای تأکید بر تمایز مطلق بین دو مرحله آخر درد و رنج زیادی می‌کشد.» (ص ۷۲۰، س ۲).

عبارت take great pains to do something در اصطلاح به معنای «تلاش بسیار کردن (برای انجام کاری)» است و نه «درد و رنج زیادی کشیدن». کاش مترجم لحظه‌ای از خود پرسیده بود که: چرا باید غزالی برای تأکید بر تمایز بین دو چیز «درد و رنج زیادی بکشد»؟!



ایراد دیگر ترجمه مورد بحث آن است که بخش‌هایی از بعضی پاورقی‌های متن اصلی انگلیسی اصلاً ترجمه نشده است. این بخش‌ها عبارتست از:

(۱) پاورقی ش ۱، هفت سطر آخر.

(۲) پاورقی ش ۲، بند ۲ و ۳ که مجموعاً شامل سی‌وهشت سطر می‌شود!

(۳) پاورقی ش ۶ مشتمل بر دو سطر.

مشکل جدی دیگر این‌که نویسنده مقاله در متن اصلی در موارد زیادی به سایر پاورقی‌های خود ارجاع داده است و در متن انگلیسی، شماره پاورقی‌ها پی‌درپی است؛ اما مترجم بدون توجه به این نکته، در متن برگردان، شماره‌های پاورقی را به صورت پیاپی درج نکرده بلکه در هر صفحه شماره‌ها از یک شروع می‌شود و در نتیجه، اینک در متن ترجمه، مرجع تمام آن ارجاعات نویسنده، نامشخص و غیر قابل رجوع است. برای مثال، نویسنده در پاورقی شماره ۱۲ از متن انگلیسی، برای مطلبی، به پاورقی شماره ۳۵ همین مقاله ارجاع داده است؛ مترجم نیز در برگردان خود (ص ۷۰۲، پاورقی ش ۴) از همین پاورقی شماره ۳۵ یاد کرده است، حال آنکه در این ترجمه، به سبب همان تغییر در شماره‌گذاری پاورقی‌ها، اصلاً چنین پاورقی‌ای با این شماره وجود ندارد!

گذشته از ایرادات پیشین، نمود اصلی فاجعه در این ترجمه، در خوانش اسامی خاص و عبارات عربی قابل مشاهده است که به طرزی غریب در مواضع متعدد، به نحوی نادرست صورت گرفته است. این نمونه‌ها را بنگرید:

۱. ص ۷۱۵، پ ۲: جاهز ← جاحظ.

۲. همان: جهیزیان ← جاحظ.
 ۳. همان: فوات مرزین ← فؤاد سرگین.
 ۴. ص ۷۰۲، پ ۱: آلت ذاکارال شیخو و ... ← التي ذكرها الشيخ ... وأعلم.
 ۵. ص ۷۰۵، پ ۱: ابوالعزیز بن سما ← لأبي علي بن سينا.
 ۶. ص ۷۱۸، س ۷: زیادة الوجود و الإبتهاج ← زیادة الوضوح والانبلاج.
 ۷. همان: المطباع k الكاتولييه ← المَطْبَعَةُ الكاثوليكيَّة.
 ۸. ص ۷۱۴، پ ۱: البدف في نقد الشعر ← البدیع في نقد الشعر.
 ۹. همان: A.A. بدوال و ح. عبدالماجد ← احمد احمد بدوی و حامد عبدالمجید.
 ۱۰. ص ۷۰۷، س ۵: صنعانی ← صغناخی.
 ۱۱. ص ۷۱۱، س ۱: تبتقی التعریف ← تبتغی التعریف.
 ۱۲. ص ۷۱۵، پ ۲: الطبخ الحلب ← الطبخ الحلبی.
 ۱۳. همان: الفكر والتاریخ ← الفكر والاعتبار.
 ۱۴. همان: جرجیس وجدا (Georges Vajda) ← ژرژ ویدا (وایدا).
 ۱۵. ص ۷۰۷، پ ۳: ام. بویگس (Bouyges) ← موریس بویژ.
 ۱۶. ص ۷۰۲، پ ۲: فی عصر الحکمة المشرقیّه ← فی أسرار الحکمة المشرقیّة.
 ۱۷. ص ۷۱۹، س ۹: غیط العلوم ← غایة العلوم.
- اشکالات یادشده صرفاً از باب نمونه بیان گردیده است و در صورت لزوم، با بررسی بیشتر می‌توان مشکلات دیگر این ترجمه را نیز فرامود.

بخش پنجم: نقد برگردان مقاله «پژوهشی درباره حکمت مشرقی ابن سینا در کاستیل قرون وسطایی»

نوشته ریان اسپیج، ترجمه زهرا حسینی

اندیشه‌های فلسفی ابن سینا، ج ۱، صص ۴۲۷ - ۴۵۶.

در این برگردان نیز سهو و سهل انگاری‌هایی رخ داده است و هرچند مترجم بطور کلی توانسته است مضمون سخنان نویسنده را تا حدودی منتقل کند، ترجمه‌اش در مواضع بسیاری فارغ از دقت و نکته‌سنجی است و همراه است با نثری مُغلق و آکنده از بوی ترجمه. در ادامه، فقط از باب مثال، چند قسمت از این ترجمه را بررسی می‌کنیم.

1. Despite the evidence from **the rest of Ibn Sīnā's writing** as well as from surviving portions of the *Easterners*, **all of which** seems to militate against the existence of **any mystical strain of thinking** in Ibn Sīnā's writing, **the fragmentary state of that** and other texts has provided a pretext for those arguing that such a **strain** once existed and has simply been lost.

ترجمه حسینی: «علی رغم این مدرک از ادامه نوشته ابن سینا همچنین از بخشهای باقیمانده مشرقیون، همه آنچه ظاهراً به نبرد با وجود هرگونه جهد عرفانی درباره تفکر در نوشتار ابن سینا، بیان جزء جزء درباره آن و متون دیگر، عذر و بهانه به دست آنهایی داده که استدلال میکنند یک چنین جد و جهدی سابقاً بوده و خیلی ساده گم شده است.» (ص ۴۳۰، س ۱۰ - ۱۳).

برخی از اشکالات:

۱- ترکیب the rest of Ibn Sīnā's writing به معنای «سایر آثار ابن سینا» است نه «ادامه نوشته ابن سینا» چون نویسنده در اینجا از نوشته و اثر خاصی سخن نگفته، بلکه در باب مجموعه آثار ابن سینا بحث کرده است که در چند سطر پیشتر در قالب تعبیر Ibn Sīnā's overall corpus of writing از آن یاد نموده.

۲- واژه *Easterners* که در متن اصلی انگلیسی به صورت ایتالیک نوشته شده است اشاره دارد به کتاب الحکمة المشرقیة (المشرقیون) و می بایست در ترجمه نیز همچون متن اصلی به صورت ایتالیک نوشته می شد که مترجم از آن غفلت کرده است.

۳- ترکیب all of which یعنی «که همه آنها / که همگی» و نه «همه آنچه» آنگونه که مترجم نگاشته است.

۴- کلمه strain در اینجا با توجه به سیاق عبارت به معنای «گرایش» یا «لحن / شیوه / سبک» می تواند باشد و نه «جد و جهد»؛ چون نویسنده در مقام سخن گفتن درباره وجود یا عدم سبک یا گرایش عرفانی در شماری از آثار فلسفی ابن سینا است. اینکه نویسنده مقاله در مواضع دیگری از نوشته اش از ترکیب هایی چون mystical perspective / mystical tradition / mystical tendency به جای mystical strain استفاده کرده است نیز گواهی است بر معنای مزبور.

همچنین، عبارت mystical strain of thinking به معنای «گرایش فکری عرفانی / گرایش عرفانی در اندیشه» است نه «جهد عرفانی درباره تفکر».

۵- قسمت the fragmentary state of that به مفهوم «وضعیت ناقص و تکه‌تکه آن متن» است نه «بیان جزء جزء درباره آن»!

۶- معنای کلّ جملات یادشده ناتمام است و گویی سخن نویسنده باید ادامه داشته باشد و مشتمل بر گزاره‌ای باشد تا مطلب او کامل شود، حال آنکه در واقع چنین نیست و ناتمامی ظاهری کلام نویسنده معلول ترجمه نادرست نوشته اوست.

ترجمه پیشنهادی: علی‌رغم شواهد موجود از سایر آثار ابن سینا و همچنین از بخش‌های بازمانده کتاب *المشرقیتون* که همگی ظاهراً بر ضدّ وجود هرگونه گرایش فکری عرفانی در نوشته‌های وی است، وضعیت ناقص و تکه‌تکه آن کتاب و سایر متون، بهانه و دستاویزی فراهم آورده است برای کسانی که استدلال می‌کنند چنین گرایشی زمانی در اندیشه او وجود داشته است و صرفاً از میان رفته.



2. His knowledge of the issues discussed in the sources he cites seems superficial at best, with the possible exception of his philosophical ideas on determinism in the *Ofrenda de zelos*. Abner's own evidently limited understanding of the ideas he does attribute to Ibn Sīnā, given the fact that his overall exposure to Arabic philosophy seems limited to a handful of works in Hebrew translation, makes his mystical citations from Ibn Sīnā's "Oriental Philosophy" seem wholly factitious.

ترجمه حسینی: «شناخت او از موضوعی که در منابعی که او از آنها نقل قول می‌کند، به استثنای محتمل ایده‌های فلسفی جبرگرا در پیشنهادی از شوق، در بهترین حالت سطحی به نظر می‌رسد. فهم آشکارا محدود او را از مفاهیمی که او آنها را به ابن سینا منسوب می‌کند، با توجه به این حقیقت که سراسر نمایش به فلسفه عربی ظاهراً محدود به مشتی از آثاری است که به عبری ترجمه شده‌اند، باعث می‌شود نقل قولهای عرفانی از حکمت مشرقی ابن سینا تماماً ساختگی بنظر برسند.» (ص ۴۳۹، س ۳ - ۸).

برخی از اشکالات:

۱- ترکیب the issues discussed به معنای «مسائل مورد بحث / موضوعات مطرح» است در حالی که مترجم آن را صرفاً به «موضوع» ترجمه کرده است. در اثر همین ترجمه نادرست، معنای عبارت

«از موضوعی که در منابعی که او از آنها نقل قول می‌کند» ناتمام مانده است و مشخص نیست که نویسنده درباره آن «موضوع» (یا به تعبیر درست: موضوعات) چه گفته است.

۲- عبارت «به استثنای محتمل ایده‌های فلسفی جبرگرا» برگردانی است واژه به واژه و تصنعی و نارسا که می‌توان آن را خیلی ساده مثلاً به صورت «شاید بجز اندیشه‌های فلسفی‌اش درباره جبرگرایی» ترجمه کرد که به زبان فارسی طبیعی شبیه‌تر است.

۳- مترجم قسمت «his overall exposure to Arabic philosophy» را به عبارت مهمل و نامفهوم «سراسر نمایش به فلسفه عربی» برگردانده است، لیک ترجمه درست آن عبارتست از: «آشنایی و مواجهه کلی وی با فلسفه عربی».

ترجمه پیشنهادی: دانش او از مسائل مورد بحث در منابعی که به آنها استناد می‌کند، در بهترین حالت، سطحی به نظر می‌رسد، البته شاید بجز اندیشه‌های فلسفی‌اش درباره جبرگرایی در کتاب *Ofrenda de zelos*. درک آشکارا محدود آبنر از اندیشه‌هایی که به ابن سینا نسبت می‌دهد، با لحاظ این واقعیت که آشنایی و مواجهه کلی وی با فلسفه عربی ظاهراً محدود بوده است به تعداد بسیار اندکی از آثار ترجمه شده به عربی، موجب می‌شود که نقل‌های عرفانی او از "حکمت مشرقیه" ابن سینا کاملاً ساختگی و بی‌اساس به نظر رسد.



3. Although the content of these citations has not been identified, **it has been proposed that** they may preserve otherwise unknown passages from Ibn Sīnā's lost work. This study considers the references to Ibn Sīnā's so-called "Oriental Philosophy" within Abner's writings and concludes that rather than preserving **lost passages from Ibn Sīnā's writing**, Abner's references were drawn **primarily** from Ibn Ṭufayl and offer no support for the argument of a possible mystical or illuminationist **strain** in Ibn Sina's thinking.

ترجمه حسینی: «گرچه محتوای این نقل قولها مشخص نیست، اما به نظر ما آنها ممکن است حافظ متنهای ناشناخته‌ای از آثار گمشده ابن سینا باشند. این مطالعه ارجاعاتی را که در میان تألیفات اونر به حکمت به اصطلاح مشرقی ابن سینا شده است، ملاحظه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که ارجاعات اونر بجای حفظ نوشته‌های ابن سینا، ابتدائاً برگرفته از ابن طفیل است و هیچ پشتیبانی برای استدلال درباره جذبه عرفانی و شهودی ممکن در تفکر ابن سینا ارائه نمیکند» (ص ۴۲۷، س ۱۲-۱۵).

چنانکه از مقایسه ترجمه با متن اصلی برمی آید، قسمت «اما به نظر ما» افزوده غیر مجاز خود مترجم به سخنان نویسنده است که هیچ معادلی در متن اصلی ندارد و با ادامه سخنان خود نویسنده که این نظر را مردود می شمارد نیز ناسازگار است. در حقیقت، نویسنده در صدد رد و طرد فرضیه ای است که برخی دیگر طرح کرده اند. از این گذشته، مترجم نام Abner of Burgos فیلسوف یهودی اسپانیایی را همه جا بصورت «اونر» ثبت کرده، حال آنکه برگردان دقیق آن آبنر است. همچنین قید primarily به «ابتدائاً» ترجمه شده که درست نیست و به جای آن باید در اینجا از معادل هایی چون «عمدتاً، اساساً، در اصل، بیشتر، بیش از همه» استفاده کرد.

ترجمه پیشنهادی: هرچند محتوای این استنادها و اشارات شناسایی نشده است، این پیشنهاد مجال طرح یافته که آنها ممکن است مشتمل بر بخش های ناشناخته ای از آثار گم شده ابن سینا باشد. این پژوهش، ارجاعات به آنچه "حکمت مشرقی" ابن سینا خوانده می شود را در آثار آبنر بررسی می کند و به این نتیجه می رسد که این ارجاعات، به جای حفظ و نقل بخش های مفقود از آثار ابن سینا، عمدتاً از ابن طفیل برگرفته شده است و از این رو چنین ارجاعاتی مؤیدی برای استدلال بر وجود یک گرایش عرفانی یا اشراقی مُحتمَل در اندیشه ابن سینا به شمار نمی آید.

۳۷۵

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴



4. What is most striking of all is that he makes **this explicit attribution to Ibn Tufayl** only a few lines after mentioning Ibn Sīnā and the "Oriental Philosophy" by name.

ترجمه حسینی: «از همه قابل توجه تر، آن است که او این سخن آشکارا منسوب به ابن طفیل را تنها چند سطر بعد از اشاره به ابن سینا و به نام «الحکمة المشرقیه»، به ابن سینا نسبت داده است» (ص ۴۵۴، س ۲-۴).

بر راقم این سطور معلوم نشد که مترجم قسمت «به ابن سینا نسبت داده است» را از کجا آورده است؟!

ترجمه پیشنهادی: آنچه بیش از هر چیز جالب توجه تر است این است که او این انتساب صریح به ابن طفیل را تنها چند سطر پس از نام بردن از ابن سینا و "حکمت مشرقیه" انجام می دهد.



5. Because Abner's works **survive** in a **patchwork** of Hebrew and Castilian versions, the citations themselves are often distorted through translation and are often nearly incomprehensible **on their own**.

ترجمه حسینی: «از آنجا که آثار او در میان آش شله قلمکاری از نسخ کاستیلی و عبری جان سالم بدر برده است، خود نقل قولها هم معمولاً از طریق ترجمه تحریف شده‌اند و اغلب تقریباً برای خودشان هم غیر قابل فهم‌اند.» (ص ۴۳۹، س آخر).

پاره‌ای از اشکالات:

۱- کلمه patchwork که مترجم با بی‌ذوقی تمام، معادل «آش شله قلمکار» را برای آن انتخاب کرده است، اگرچه از جهتی می‌تواند درست باشد، با سیاق سخن که درباره نسخه‌های خطی است سازگار نمی‌نماید و به جای آن می‌توان از معادل‌هایی چون «مجموعه‌ای گوناگون و ناهمگون» یا «ترکیب / آمیزه / درهم‌آمیخته» استفاده کرد. به همین نحو، معادل «جان سالم بدر بردن» در برابر فعل survive هرچند اشتباه نیست، کاربرد آن درباره نسخه خطی مناسب به نظر نمی‌رسد و بهتر است در این خصوص معادلی همچون «باقی ماندن» را بکار برد.

۲- قید on their own در اینجا به مفهوم «به تنهایی / به خودی خود» است نه «برای خودشان». براستی: «نقل قولها ... برای خودشان هم غیر قابل فهم‌اند» یعنی چه؟!

ترجمه پیشنهادی: از آنجا که آثار آبر در قالب مجموعه‌ای گوناگون و ناهمگون از نسخه‌های عبری و کاستیلی باقی مانده است، خود منقولات نیز در جریان ترجمه دچار تحریف شده و اغلب به تنهایی تقریباً غیر قابل فهم است.



در ترجمه مورد بحث، اغلاط گوناگون دیگری اعم از املائی و حروف نگاشتی و نگارشی نیز دیده می‌شود که نیازمند اصلاح است. پاره‌ای از این خطاها به شرح زیر است:

- | | |
|--|--|
| ۱. ص ۴۵۸، س ۷: امپراطوری ← امپراطوری. | ۲. ص ۴۳۵، س ۴: این سینا ← ابن سینا. |
| ۳. ص ۴۳۷، س ۱۰: نویسندگان ← نویسندگان. | ۴. ص ۴۳۹، س ۶: حقیقت ← حقیقت. |
| ۵. ص ۴۴۲، پ ۴: کلمات ابن ← سخنان ابن طفیل. | ۶. ص ۴۴۳، س ۱۰: اولوهیت ← الوهیت. |
| ۷. ص ۴۴۳، س ۱۳: معقر ← مقعر. | ۸. ص ۴۴۴، س ۴: همانطور ← همانطور. |
| ۹. ص ۴۴۷، س ۱۴: یاید ← یابد. | ۱۰. ص ۴۳۵، س ۳: اسپاینا ← اسپانیا. |
| ۱۱. ص ۴۴۹، س ۳: درنقل می‌کند ← نقل می‌کند. | ۱۲. ص ۴۴۱، س ۱۲: ردشان را نهایتاً ← ردشان نهایتاً. |
| ۱۳. ص ۴۲۹، س ۱۱: نگاه اول که ظاهراً ← نگاه | ۱۴. ص ۴۲۹، س ۵: لئذ تعدادی ← تعدادی. |
- اول ظاهراً.

این ایراد که مقاله مورد بحث، پیش از چاپ، هیچ بازبینی دقیقی نشده است و شتابناک به دست چاپ سپرده شده، از پاورقی ناقصی که در صفحه ۴۲۹ آمده است نیز قابل فهم و تأیید است. در این پاورقی جای چند کلمه خالی مانده است و گویا مترجم بنا داشته آنها را تکمیل کند اما فراموش نموده است، مُشرف و ناظر و ناشر هم فراموش کرده‌اند! پاورقی مزبور چنین است: «شبه جزیره ایبری در جنوب غربی اروپا قرار دارد و کشورهای ، ، و را دربر می‌گیرد». شاید هم در اینجا مشکل چاپی در کار باشد؛ اما به هر حال، تقصیر و سهل‌انگاری مسئول انتشار کتاب قابل انکار نیست.

★ ★ ★

بخش ششم: نگاهی به پایان‌نامه «نقش قوه خیال در فرآیند وحی از دیدگاه فارابی و ابن‌سینا»

نوشته معصومه حسینی تبار

اندیشه‌های فلسفی ابن‌سینا، ج ۱، صص ۴۸۱ - ۶۳۲.

در کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن‌سینا یک پایان‌نامه با حجم حدود ۱۵۰ صفحه نیز چاپ شده است که ای کاش نشده بود! کل منابع این رساله، بر اساس آنچه در کتابنامه‌اش مندرج است (ص ۶۳۱) فقط ۱۶ اثر است و این امر نیک معلوم می‌دارد که نگاشته مزبور تا چه اندازه مبتنی است بر پژوهش و تتبع کافی! از جملات آشفته و ناویراسته فراوانی که در جای به جای این رساله دیده می‌شود نیز بخوبی می‌توان دریافت که میزان استواری مطالب آن تا چه حد است. این که دانشجویی بنا به هر دلیل، پایان‌نامه‌ای سطحی و شتابزده بنویسد کار غریبی نیست و متأسفانه نمونه‌های بسیاری از این نوع سراغ داریم؛ اما چرا باید کسی بدون بررسی دقیق آن پایان‌نامه اقدام به چاپ آن کند؟ مگر هر چیزی که مکتوب شده است درخور نشر است؟ آیا ناشر اثر نباید از خود پرسد در آنچه منتشر می‌کند چه بهره و فایده‌ای برای خریداران و خوانندگان آن متصور است؟ آیا نباید لختی درنگ و تأمل کند و بسنجد که اثر پیش‌نهادشده برای چاپ اصلاً ارزش صرف هزینه برای انتشار دارد یا نه؟ آیا مجاز است هر مزخرفی را منتشر کند؟

در ادامه، سطوری از این پایان‌نامه (با همه انواع اغلاط اعم از املایی و حروف نگاشتی و ویرایشی) نقل می‌شود تا خوانندگان، خود، با اسلوب تألیف و طرز نگارش نویسنده و سطح مطالب مطرح در این رساله آشنا گردند:

بین رابطه ذات خداوند با صفاتش نظرات گوناگونی مطرح شده است. اما از

دیدگاه امامیه که شامل حکیم و متکلم می‌شود. روایات وارده از مصومین (ع)،

قائل به نفی زیادت صفات خدا بر ذات الهی هستند، و معتقد به عینیت صفات با ذات خداوند می‌باشند از آن تَبَیَّر به توحید صفاتی می‌شود، و علت توحید صفاتی این است که هر کدام از صفات خداوند، که ما بازای جداگانه‌ای داشته باشند از چند حال خارج نیست یا این مصداق در داخل ذات وجود دارد و لازمه اش مرکب بودن ذات خداوند است و دارای اجزا بودن و چون این ترکیب، به نیازمند بودن خداوند می‌انجامد محال است. یا اینکه مصداقهای آن خارج از ذات خداوند متصور شود که همان ممکن الوجود و مخلوق الهی می‌باشد که فرض واجب الوجود بودن آنها به معنای تعدد ذات و شرک صریح می‌باشد و فرض ممکن الوجود بودن صفات، لازمه این می‌باشد که ذات خداوند که بر فرض اینکه دارای این صفات نیست آنها را خلق کند و بد از آن به این صفات متصف گردد، برای مثال با اینکه ذاتاً حیات ندارد اما موجودی را به نام حیات بیافریند و همچنین فاقد کمالات مخلوقاتش باشد. (ص ۴۹۲).

اینک نمونه‌ای دیگر:

یکی از قوای ادراکی نفس قوه عقل است که با نظریه اینکه جهان و انسان در تمام شؤنش وابستگی به مبادی عالی دارد؛ و همانا آن دسته دیدگاههایی که انسان را هم مؤثر می‌داند و این که مقدمات را فراهم می‌کند و مرحله آخر، این که فعلیت و تحقق یافتن به وسیله عقل فعال صورت می‌گیرد و روشن می‌کند که در قلمرو شناخت، انسان به مانند یکی از واقعیت‌های عالم و انسان تحقق ادراک عقلی، یعنی ترسیم شدن صورت عقلی در نفس و شناساندن انسان، با زمینه سازی خود انسان و در نهایت، قوه متخیله از دیدگاه ابن سینا قوه‌ای می‌باشد از قوای ادراکی نفس و از جمله قوای مهمی است که نفس را برای قبول اشراقات علوی آماده می‌کند، و نقش فعال و مؤثری را در تلقی قوه عقلیه که موجب آمادگی نفس برای پذیرش فیض از عقل فعال می‌شود را دارد و ابن سینا چه زیبا به این مطلب اشاره می‌کند. (ص ۵۲۸).

و این هم نمونه آخر:

اما فارابی در بررسی بین ذات و صفات خداوند و بسیط قائل شدن آن و بیان این مسأله که خداوند در ذات و جوهر عقل بالفعل است زیرا آنچه را که صورت است را از اینکه عقل بالفعل باشد منع کند، ماده است و اگر شیء محتاج به ماده نباشد در ذات و جوهر عقل بالفعل است و از نظر او خدا چون چنین حالتی دارد

وعقل بالفعل است و به ذات خود معقول است، چرا که خدا هم عقل است هم عاقل و معقول، و از این طریق فارابی عینیت ذات الهی با صفات خداوند را بیان می‌کند (ص ۴۹۵).

عباراتی از این دست، در رساله یادشده بسیار است؛ لیک به جهت رعایت اختصار و اقتضای از ذکر موارد بیشتر صرف نظر می‌شود. حاجت به گفتن نیست که وقتی نوشته‌ای ظاهری آشفته و پریشان داشته باشد و از افاده مرام و بیان مقصود ناتوان باشد، انتظار اینکه گوینده‌اش کلام استوار و درخور توجهی گفته باشد بیجا و بیهوده است به‌ویژه با فریاد داشتن این نکته مهم و مجرب که: «کسی که زبانش پریشان و نابسامان باشد، فکرش نیز پریشیده و ناستوار خواهد بود و برعکس».^۱

نمود دیگر آشفته‌گی و بی‌دقتی در این رساله را هم می‌توان در کتابنامه آن (ص ۶۳۱) مشاهده کرد که نام شماری از کتاب‌ها در آن غلط ضبط شده است به این صورت:

نام غلط در کتابنامه	نام درست
السیاسة فصوص المدنیة	السیاسة المدنیة
فصوص المنتزعة	فصولٌ مُنْتَزَعَة
جمع بین رأی حکیمین	الجمع بین رأیی الحکیمین
لتعلیقات	التعلیقات
دراسة ونصوص غیر منشورة	أرسطو عند العرب

★ ★ ★

باری، گذشته از اشکالات و ایراداتی که در بخش‌های پیشین در خصوص برخی از مقالات کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا مطرح گردید، در بعضی دیگر از مقالات چاپ شده در این کتاب نیز خطاهایی وجود دارد که اینک در بخش پایانی این نقد بدانها اشاره می‌شود. چنانکه پیشتر نیز اشارت رفت، یکی از مشکلات اساسی کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا ناویراسته بودن بسیاری از مقالات آن است. شوربختانه کل این مجموعه سه جلدی کلان که بنا بر قاعده می‌بایست به نحو یکپارچه و یکدستی ویراسته می‌شد، فاقد یک ویرایش درست و یکدست و دقیق است و اقسام گوناگون ایرادات و خطاهای ویرایشی تقریباً در سرتاسر این مجموعه قابل

۱. یوسفی، غلامحسین، کاغذ زر، انتشارات سخن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۸۹.

مشاهده است. حتی در برخی از صفحات این کتاب (برای نمونه نگرید به: ج ۲، صفحات ۹۴-۱۰۸) نقطه پایانی در آخر بسیاری از جملات درج نشده است و در نتیجه، فهم عبارات دشوار گردیده است. افزون بر خطاهای ویرایشی، موارد متعددی از اغلاط املائی و حروف نگاشتی و نیز نمونه‌هایی از اشتباه در خوانش اسامی هم در جای جای کتاب دیده می‌شود که در قسمت زیر، در دو جدول جداگانه، فهرست‌وار به پاره‌ای از آنها اشارت می‌رود:

ردیف	نشانی	خوانش نادرست	صورت درست
۱	ج ۲، ص ۶۷۳، پ ۱	مسائل الأحوال عن روح	مسائل عن أحوال الروح
۲	ج ۲، ص ۶۸۲، س ۳	ابن زیلعی	ابن زیله
۳	ج ۲، ص ۶۸۲، س ۴	صیغانی	الصیغناخی
۴	ج ۲، ص ۶۹۰، پ ۱	مکاتبات المعصومی ابن سینا	مکاتبات ابن سینا - بیرونی - معصومی
۵	همان	ابطال الأحکام والنجوم	إبطال أحکام النجوم
۶	همان	رسالة العلما البغداد	رسالة إلى علماء بغداد
۷	ج ۲، ص ۳۲۵، س ۹	في الطبیعة الحيوان	في طبائع الحيوان
۸	همان، س ۱۲	كتاب الحيوانات	كتاب الحيوان
۹	ج ۳، ص ۹۸، پ ۲	الخدیری	الخُصیری
۱۰	ج ۳، ص ۱۰۶، س ۳	فانا	فَنَا
۱۱	ج ۳، ص ۱۰۶، ۱۴	عابد	عباد

⋮⋮⋮

ج ۱، ص ۱۴۷، س ۷: نمون ای ← نمونه‌ای.	ج ۱، ص ۴۰۵، پ ۱: دانشنامه ← دانشنامه.
ج ۱، ص ۴۱۲، س ۱۷: علم سینا ← ابن سینا.	ج ۱، ص ۴۵۷، س ۸: چشمگیری ← چشمگیری.
ج ۱، ص ۴۷۷، س ۱۵، ۱۸: دار ← دارا.	ج ۱، ص ۴۷۹، س ۱۵: توضیح ← توضیح.
ج ۱، ص ۴۸۶، س ۱۰: بوده ← بودن.	ج ۱، ص ۴۹۲، س ۶: مخلوقاتش ← مخلوقاتش.
ج ۱، ص ۴۹۵، س ۲۲: نقش نبی ← نفس نبی.	ج ۱، ص ۴۹۵، س ۲۱: جنبی قابلی ← جنبه قابلی.
ج ۱، ص ۵۰۰، س ۸: حقیقت ← حقیقت.	ج ۱، ص ۵۰۵، س ۲: فاربی ← فارابی.
ج ۱، ص ۶۳۲، س ۸: التعليقية ← العقلية.	ج ۲، ص ۲۸، س ۱۰: می دند ← می کند.
ج ۲، ص ۳۹، س آخر: رازوی ← رازی.	ج ۲، ص ۱۱۷، س ۱۴: متافیزیکی ← متافیزیکی.
ج ۲، ص ۱۶۳، س ۱۶: ادرك ← ادراک.	ج ۲، ص ۳۵۹، س ۱۵: انگیزه‌های ← انگیزه‌های.
ج ۲، ص ۴۱۶، س ۲۳: خردپزیر ← خردپذیر.	ج ۲، ص ۴۱۷، س ۵: د باره ← درباره.

ج ۲، ص ۶۷۳، پ ۱: التناطقه ← الناطقة.	ج ۲، ص ۶۸۱، س ۱۱: ای ← این.
ج ۳، ص ۸۸، س ۵: ذهنی ← ذهنی.	ج ۳، ص ۹۰، س ۱۵: شلیح ← شارح.
ج ۳، ص ۹۱، پ ۲: قرسیت ← فرسیت.	ج ۳، ص ۹۲، س ۱۰: باد ← باشد.
ج ۳، ص ۹۶، س ۱۸: الافدام ← الاقدام.	ج ۳، ص ۱۰۱، س ۱: نظریه ← نظریه.
ج ۳، ص ۱۰۱، س ۷: شنخت ← شناخت.	ج ۳، ص ۱۰۵، س ۹: بتوان به زبان توان آورد ← بتوان به زبان آورد.



یادکرد این نکته لازم است که اشکالاتی که در نوشتار حاضر مجال طرح یافت، صرفاً حاصل یک ارزیابی اجمالی از چند مقاله چاپ شده در کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا است و نه نتیجه بررسی مبسوط و فراگیر تمامی مقالات این کتاب. به نظر می‌رسد که اگر سایر مقالات و صفحات این کتاب پُربرگ نیز با دقت و حوصله بیشتری بررسی شود، اشکالات و کاستی‌های دیگری نیز

نمایان گردد و چنانچه اندکی بنا بر ریزبینی و نکته‌سنجی باشد، دست‌کم در خصوص برخی از مقالات ترجمه‌گونه این مجموعه، جای مناقشت و خرده‌گیری بسیار است. بدیهی است که عرضه اینگونه متون و ترجمه‌های فاقد دقت و صحت مایه تضییع اوقات و اموال خوانندگان است. به امید روز و روزگاری که نویسندگان و مترجمان و ناشران، مخاطبان آثار خود را محترم و مستحق برخورداری از مکتوبات متقن و معتبر بدانند، و با نگارش و نشر نگاشته‌های سطحی و فاقد ارزش علمی، به آنان توهین روا ندارند و حقوقشان را پایمال نکنند.

